

جلوه‌ها و مصادیق ره‌یافتگان مسیر حیات طیبه

سریده فاطمه هاشمی^۱
پریسا نیک‌نفس^۲

چکیده

مقاله حاضر در جهت شناخت حیات طیبه و راه‌های کسب و وصول و بیان جلوه‌هایی در مصادیق آن تحریر یافته است. حقیقت آن است که حیات طیبه در دنیا و آخرت، در سایه معرفت حقیقی خدا و رسول (ص) و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) به دست می‌آید که نتیجه آن حب و اطاعت از آن بزرگواران است. ملاک طیب و خبیث در اشیاء، مطابق روایات، قبول یا عدم قبول ولایت معصومین (ع) بوده که طبق پیمان الهی در روز الست اعتراف و بدان اقرار نموده‌ایم.

کلید واژه‌ها: حیات طیبه، کلمه طیبه، شجره طیبه، رزق طیب، ولایت.

طرح مسأله

حیات طیبه مرتبه‌ای از شناخت یقینی انسان است که متقین و مؤمنان خالص، در طی سلوک، موفق به این شناخت و رهروی آن می‌شوند. حیات طیبه در سایه معرفت حق

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

۲- دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۶/۳- تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۱/۳۰.

۸۰----- منہاج - سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹
تعالی، اطاعت از خداوند و کلام او میسر می گردد، و این همه نیز در سایه معرفت ائمه
اطهار و اطاعت از پیامبر اسلام (ص) و هم چنین در سایه التزام به پذیرش ولایت
معصومین (علیهم السلام) محقق می گردد؛ زیرا آنان مصادیق اکمل و واقعی در سیر
طریق حیات طیبه هستند. بدیهی است شناخت حیات طیبه و جلوه های آن، در روز
بازپسین، در صورتی مشمول پاداش الهی می گردد، که مسیر و طریق آن در دنیای مادی
صورت گرفته باشد.

۱- کاربرد قرآنی واژه حیات طیبه

تعبیر حیات طیبه تنها در یک آیه قرآنی صراحتاً ذکر شده است: «من عمل صالحاً من
ذکر او انشی وهو مومن فلنحییه حیاہ طیبه و لنجزینہم اجرہم باحسن ما کانوا یعملون»
(النحل، ۹۷)، یعنی: هر کسی از مرد یا زن کار شایسته‌ای کند و مؤمن باشد قطعاً او را با
زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] بخشیم، و مسلماً به آنان بهتر از آن چه انجام می دادند
پاداش خواهیم داد. حیات طیبه‌ای که خداوند به زن و مرد نیکوکردار وعده داده است،
حیاتی حقیقتی و جدید است که مرتبه‌ای با لا و والا از حیات عمومی است و دارای
آثاری مهم می باشد. (طباطبائی، ۳۴۱/۱۲)

الف- حیات طیبه، زندگی پاکیزه در بهشت خواهد بود. (طبرسی، ۵۹۳/۶؛ فیض
کاشانی، ۱۵۴/۳)

ب- حیات طیبه، عبادت توأم با روزی حلال است. (طیب، ۱۸۴/۸)

ج- حیات طیبه، حیات بهشتی است که مرگ ندارد و فقر و بیماری و هیچ شقاوت
دیگری در آن نیست (طباطبائی، ۳۴۳/۱۲)

د- حیات طیبه، همین حیات دنیوی است که مقارن با قناعت و رضا به قسمت خدای
سبحان باشد؛ زیرا چنین حیاتی پاکیزه ترین زندگی است. (حویزی، ۸۴/۳)

ه - حیات طیبه، قناعت است زیرا قناعت سبب عزت و بی ن یازی از مردم است .
(سیدرضی، ۶۵۹؛ آمدی، ۳۹۲)

و- حیات طیبه، روزی روز به روز است. (طبرسی، ۵۹۳/۶)

جلوه‌ها و مصادیق ره‌یافتگان مسیر حیات طیبه ----- 81

در عین حال مضمون حیات طیبه در قالب دعوت حیات بخش خدا و رسول (ص) در آیه قرآنی ذیل نیز به کار رفته است: «یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله وللرسول إذا دعاکم لما یحییکم واعلموا ان الله یحول بین المرء وقلبه وانه إلیه تحشرون» (الانفال، ۲۴)، یعنی: ای کسانی که ایمان آوردید، چون خدا و رسول شما را به ایمان دعوت کنند اجابت کنید به آنچه زنده‌تان می‌سازد و بدانید که خدا در میان مرد و قلب او حایل است و همه به سوی او محشور خواهند شد. در این آیه شریفه خداوند مؤمنان را به استجاب خود و رسولش در پذیرفتن دعوت او سفارش می‌کند. نکته مهم در آیه فوق، آن است که متعلق استجاب دعوت حیات بخش خدا و رسول (ص) چیست؟ مفسران قرآن کریم در این مورد اقوالی را مطرح کرده‌اند:

♦ الف- منظور، دعوت به بهشت است که حیات در آن جاودانی است. (طبرسی، ۸۲۰/۴)

در تفسیر قمی از قول خداوند آمده است: «قال الحیاء الجنه و اعلموا ان الله یحول بین المرء وقلبه ای یحول بین ما یرید الله و بین ما یریده». (قمی، ۲۷۱/۱؛ مجلسی، ۲/۹؛ صافی، ۲۸۹/۲)

مقصود از حیات، بهشت است «واعلموا ان الله یحول بین المرء وقلبه» یعنی خداوند میان او و قلبش حایل می‌شود.

ب- منظور دعوت ایمان است. زیرا ایمان، حیات دل، و کفر، مرگ آن است. (شریف لاهیجی، ۱۷۸/۲)

ج- مراد، قرآن و شرایع است؛ زیرا جهل، موت است و علم حیات و قرآن سبب حیات به علم می‌گردد، که در آن، نجات از مهالک است. (شاه عبدالعظیمی، ۳۱۸/۴؛ طبرسی، ۸۲۰/۴)

د- در اصول کافی نیز آمده است: عن ابی الربیع الشامی قال سئلت ابا عبدالله (علیه السلام) عن قوله الله عزوجل: یا ایها الذین آمنوا استجیبوا... قال: «نزلت فی ولایة علی علیه السلام». (بحرانی، ۷۱/۲؛ حویزی، ۱۴۱/۲)

۸۲ ----- منہاج - سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

۲- جلوه های حیات طیبه در قرآن و روایات

۲-۱- طینت طیب

طینت به معنی خمیر مایه‌ای از گل آمده و به معنی خلقت و جبلت نیز ذکر گردیده است. (مصطفوی، ۱۵۸/۷؛ قرشی، ۲۶۴/۵)

الف- طینت علیین: نام شریف ترین باغات بهشتی است، چنان که خداوند متعال می‌فرماید: «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْاَبْرَارِ لَفِي عَلِّيِّينَ» (المطففين، ۱۸)، یعنی: نه چنین است، در حقیقت، کتاب نیکان در «علیون» است.

ابوحزمه ثمالی گوید از حضرت باقر (ع) شنیدم می‌فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَنَا مِنْ أَعْلَى عَلِّيِّينَ وَ خَلَقَ قُلُوبَ شِيعَتِنَا مِمَّا خَلَقْنَا مِنْهُ وَ خَلَقَ اِبْدَانَهُمْ مِنْ دُونَ ذَلِكَ فَقُلُوبُهُمْ تَهْوَى إِلَيْنَا لِأَنَّهَا خَلَقَتْ مِمَّا خَلَقْنَا مِنْهُ ثُمَّ تَلَا كَلَامَ اَنْ كِتَابِ الْاَبْرَارِ لَفِي عَلِّيِّينَ وَ مَا اِدْرَاكُ مَا عَلِيُونُ كِتَابِ مَرْقُومٍ» (استرآبادی، ۷۴۹)، یعنی: خداوند متعال ما را از طینت و سرشتی که بالاتر از همه بود آفرید و دل‌های شیعیان ما را هم از همان اصل خلق کرد ولی بدن‌های آنان را از طینتی که پایین تر از آن بود خلق فرمود. دل‌های شیعیان ما به طرف ما تمایل دارد؛ زیرا آنها از اصلی خلق شده‌اند که ما از آن اصل می‌باشیم. و بعد این آیه شریفه را تلاوت کردند: «کلا ان کتاب الابرار لفي عليين و ما ادراك ما عليون کتاب مرقوم».

از امام باقر (ع) نقل شده است در قول خداوند متعال که «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْاَبْرَارِ اِلَى قَوْلِهِ الْمَقْرُبُونَ» هو رسول الله و علی و فاطمه و الحسن و الحسين (ع). (مجلسی، ۱۲۳/۷۲)

ب- طینت سجین: نام بدترین آتش عذاب است. خداوند کافران را از طینت «سجین» آفریده است. مراد از «سجین»، جهنم است یا خلقت و جبلتی که مناسب جهنم و رفتن به آن می‌باشد. (بحرانی، ۶۰۷/۵)

در کتاب علل الشرایع از قول علی بن الحسین (ع) نقل شده که ایشان فرمودند: خدای عزوجل پیامبران و ابدانشان را از طینت علیین آفریده و قلوب مؤمنین را نیز از همان؛ اما ابدان آن‌ها را از غیر آن خلق کرد؛ و قلوب و ابدان کافرین را از طینت «سجین»

83 ----- جلوه‌ها و مصادیق ره یافتگان مسیر حیات طیبه
خلق فرمود؛ پس از آن، حق تعالی این دو طینت را مخلوط نمود و این باعث شد که از مؤمن، کافر، و از کافر، مؤمن متولد شد. همین مسئله سبب گردید که مؤمن مرتکب کار بد، و کافر عامل عمل نیک گردد؛ پس هر یک از اهل ایمان و کفر از آن آفریده شده‌اند، مایل می‌باشند، هر دو طینت خوب و بد، قابلیت این را دارند که از آن جمعی خلق شوند که به اعتبار قدرت و اختیار هر یک قابل استحقاق ثواب و عقاب باشند.
(صدوق، علل الشرایع ۸۲/۱)

۲-۲- بلد طیب

با توجه به آیه شریفه «وَالْبَلَدِ الطَّيِّبِ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكْدًا...» (الاعراف، ۵۸)، یعنی: و زمین پاک و آماده گیاهش به اذن پروردگارش برمی‌آید و آن زمینی که ناپاک و نامناسب است، گیاهش جز اندک و بی‌فایده بر نمی‌آید. بنابراین تأویل امام صادق (ع)، این آیه مثالی است برای طینت پاک که منشاء علوم و معارف و طاعات و خیرات است و طینت ناپاکی که از آن توقع سودی نیست و این آیه مثالی است برای مؤمن و کافر و توجه می‌دهد که زمین، تمامش از یک جنس است جز این که بعضی از آنها با باران نرم می‌شود و گیاه خوب می‌رویند و محصول خوب می‌دهد و بعضی از سرزمین‌ها شوره زار است که چیزی در آن نمی‌روید و اگر گیاهی بروید، قابل استفاده نیست. (صدوق، علل الشرایع، ۵۷۱/۲)

«البلد الطیب»، زمین خوبی است که بی رنج و زحمت کشاورز، خیر و برکت می‌دهد و زراعت آن خوب و پر فایده است و این همه خارج از امر و فرمان خداوند نیست. (طبرسی، ۶۶۵/۴)

صاحب البرهان می‌فرماید: «البلد الطیب»، مثل ائمه است که علمی که از آن‌ها صادر می‌شود، به اذن پروردگار است. (همو، ۵۶۰/۲)

در روایاتی که از ناحیه معصوم به ما رسیده، بلد طیب را به طینت طیب تشبیه فرموده‌اند. (مجلسی، ۱۰۴/۶۴؛ صدوق، علل الشرایع، ۶۱۰/۲-۶۰۹)

۸۴ ----- منہاج - سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

۲-۳- رزق و روزی طیب

در شرع اسلام، درباره لقمه، تأکید بسیار شده؛ لقمه برای فرزند مثل خاک است برای گیاه؛ اگر خاک گیاه مناسب نباشد، آن گیاه به رشد مطلوب نمی رسد و اگر لقمه نیز مناسب و حلال نباشد، باعث می شود کودک به آن رشد مطلوب که آرزوی هر پدر و مادری است، نرسد. خداوند متعال می فرماید: «وکلوا مما رزقکم اللہ حلالاً طیباً واتقوا اللہ الذی اَنتم به مؤمنون» (البقره، ۱۶۸ و ۵۷۸؛ الصافه، ۸۸؛ الانفال، ۶۹)، یعنی: و از آن چه خداوند روزی شما گردانیده حلال و پاکیزه را بخورید و از آن خدایی که به او ایمان دارید پروا دارید. به اتفاق مفسرین، مراد از امر در آیه، اباحه است؛ یعنی از روزی مباح و لذیذ خداوند استفاده کنید؛ و روزی حلال، برای تأکید آمده است. در روایات ائمه معصومین (علیه السلام)، در باب رزق و روزی طیب و حلال، نکاتی متذکر گردیده اند، از جمله: رزق و روزی طیب، در اشیاء و خوراکی هایی قرارداد شده که در بحث ولایت منقاد و مطیع بوده اند. با توجه به کلام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) تنها ملاک عمده در وصول به حیات طیبه «ولایت» است. امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) خطاب به غلام خویش می فرماید: «یا قنبر، ان الله تبارک و تعالی عرض ولایتنا علی اهل السماوات و اهل الارض من الجن والانس و الثمر و غیر ذلک، فما قبل منه طاب و طهر و عذب، و ما لم یقبل منه خبث و ردی و تنن» (صدوق، صفات الشیعه، ۲۴۹)، یعنی: ای قنبر! همانا خدای تبارک و تعالی، ولایت ما را بر اهل آسمان و زمین از جن و انس و بر میوه ها و غیر آنها عرضه داشته است؛ پس هر چه از آن که ولایت ما را پذیرفت طیب و طاهر و شیرین شد و هر چه نپذیرفت، پلید و پست و متعفن گردید.

۲-۴- فرزند طیب و صالح

تربیت در واقع از حیاتی ترین ابعاد زندگی است و در پرتو آن، انسان به سعادت مطلوب نائل می شود. خداوند عزوجل در قرآن کریم می فرماید: «هنالک دعا زکریا ربّه قال ربّ هب لی من لدنک ذریّه طیبه إنک سمیع الدعاء» (آل عمران، ۳۸)، یعنی: آنجا [بود که]

جلوه‌ها و مصادیق ره‌یافتگان مسیر حیات طیبه ----- 85
زکریا پروردگارش را خواند [و] گفت: پروردگارا! از جانب خود، فرزندی پاک و
پسندیده به من عطا کن، که تو شنونده‌ی دعایی.
مراد از ذریه‌ی طیبه، پاکی از عقائد باطله و اخلاق رذیله و اعمال سیئه که عبارت از مقام
عصمت و طهارت است، می‌باشد (طیب، ۱۸۶/۳) پیامبر اکرم (ص) در این مورد
می‌فرمایند: «من سعاده المرء ذریه طیبه» (مجلسی ۹۴/۱۶)؛ یعنی: از خوشبختی مرد، دارا
بودن فرزند شایسته است.

با توجه به آن چه گفته شد، اصل مسأله تربیت و فراگیری آداب و قواعد زندگی دنیا
برای وصول به آن هدف نهائی، آفرینش و خلقت انسان، امری بسیار روشن است. امام
سجاد (ع) در پیشگاه الهی دعا می‌کند: «اللهم أعنی علی تربیتهم و تأدیبهم و برهم»
(صحیفه سجاده، ۱۷۰)؛ یعنی: خدایا مرا در تربیت و ادب‌آموزی و نیکوکاری فرزندانم
یاری و مدد فرما.

۲-۵- همسر طیب

خانواده به عنوان اولین زیربنای زندگی اجتماعی و کوچک‌ترین واحد تشکیل دهنده
اجتماع انسانی می‌باشد. به همین منظور باید بیش از هر چیزی دیگر امر ازدواج و تشکیل
خانواده که مقدمه آرامش و خوشبختی و بازدارنده از هر گناه و فسق و فجوری است،
مورد توجه قرار گیرد. چنانکه امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) می‌فرمایند:
«ثمره التجربة حسن الاختیار» (آمدی، ۴۴۴)؛ یعنی: گزینش بهتر و حسن انتخاب، نتیجه
تجربه است. امام در گزینش همسر تأکید فراوانی دارند؛ زیرا آثار ازدواج شایسته و
بشارت ثمره نسل‌های پاکیزه و صالح در سایه ازدواج، آن چنان با برکت است که
حیات طیبه را در دنیا و آخرت تضمین می‌کند. یکی دیگر از نکات مهم در ازدواج و
انتخاب همسر، تأکید بر ملاک‌های معتبر خصوصاً صالح بودن و تناسب روحی و
معنوی میان زوجین می‌باشد که در آیات شریفه تناسب معنوی و روحی به بهترین وجه
بیان گردیده است که: «الخبیثات للخبیثین و الخبیثون للخبیث و الطیبات للطیبین و

۸۶ ----- منہاج - سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹
الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أَوْلَثُكَ مَبْرُوءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» (النور، ۲۶)، یعنی:
زنان پلید برای مردان پلیدند، و مردان پلید برای زنان پلید. و زنان پاک برای مردان
پاکند، و مردان پاک برای زنان پاک. اینان از آنچه درباره ایشان می گویند برکنارند، برای
آنان آمرزش و روزی نیکو خواهد بود.

۶۲- تمسک به کلمه طیبه و شجره طیبه

با توجه به آیه شریفه «من كان يريد العزة فلله العزة جميعا إليه يصعد الكلم الطيب والعمل
الصالح يرفعه والذين يمكرون السيئات لهم عذابٌ شديدٌ ومكر أولئك هو بيور» (الفاطر،
۱۰) یعنی: هر کس سربلندی می خواهد، سربلندی یکسره از آن خداست. سخنان پاکیزه
به سوی او بالا می رود و کار شایسته به آن رفعت می بخشد و کسانی که با حيله و مکر
کارهای بد می کنند، عذابی سخت خواهند داشت و نیرنگشان خود تباہ می گردد. مراد از
کلمه طیبه، عقاید حقه ای است که انسان باور به آن را زیر بنای اعمال خود قرار دهد، و
قدر یقین، چنین عقایدی کلمه توحید است، که برگشت سایر اعتقادات حق نیز منوط
به آن است و صعود کلمه طیب، عبارت از تقرب آن به سوی خداست و چیزی که به
درگاه خدا تقرب یابد، اعتلا یابد؛ زیرا خداوند، اعلی و رفیع درجات است (طبرسی،
۶۲۹/۸) و در آیه شریفه «الم تر كيف ضرب الله مثلا كلمه طيبه كشجره ه طيبه اصلها
ثابت وفرعها في السماء» (ابراهيم، ۲۴)، یعنی: آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده، سخنی
پاک که مانند درختی پاک است که ریشه اش استوار و شاخه اش در آسمان است؟ مراد
از «شجره طيبه» خاندان رسول خداست، که خود وی اولین فرد از این شجره است، و
به مانند درختی است که دارای اصلی ثابت بوده و از هر گونه تغییر و بطلانی محفوظ
است. تمام مواردی که برای کلمه طيبه مطرح شده، از مصادیق شجره طيبه و نیز از
مصادیق حیات طيبه می باشد، و کلمه طيبه به آن تشبیه شده است.

کلینی به سند خود از عمرو بن حرث نقل می کند: «سألت ابا عبدالله (ع). عن قول الله،
كشجره طيبه اصلها ثابت وفرعها في السماء قال فقال رسول الله (ص) اصلها واميرالمومنين (ع)

جلوه‌ها و مصادیق ره‌یافتگان مسیر حیات طیبه ----- 87

فرعها و الائمہ من ذریعتها أغصانها و علم الائمہ ثمرتها و شیعتهن المومنون ورقها هل فیها فضل قال قلت لا والله قال و الیه ان المؤمن لیولد فتورق و رقه فیها إن المؤمن لیموت فتسقط ورقه منها» (همو، ۴۲۸/۱؛ بحرانی، ۲۹۷/۳؛ عیاشی، ۲۲۴/۲)، یعنی: از امام صادق (ع) درباره آیه شریفه فوق سوال کردم، فرمودند: رسول خدا (ص) اصل آن شجره طیبه، و امیرالمؤمنین فرع آن، و سایر ائمه معصومین (علیهم السلام) از ذریه او و شاخه‌های آن و علم امامان میوه آن و شیعیان برگ‌های آن هستند، آیا در این فضلی و زیادی است که دیگران از آن سهمی ببرند؟ می‌گوید: گفتم نه به خدا قسم. فرمود: والله هر مؤمنی که متولد می‌شود، برگی به این درخت افزوده می‌گردد و هر مؤمنی که بمیرد یک برگ از آن می‌افتد.

۳- ره‌یافتگان مسیر حیات طیبه

۳-۱- مؤمنان محلی به حیات طیبه

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «ومن یطع الله والرّسول فأولئک مع الّذین انعم الله علیهم من النّبیین والصدّیقین والشّهداء والصّالحین وحسن أولئک رفیقاً» (النساء، ۶۹) یعنی: هر که خدا و رسول را اطاعت کند، هم نشین آنهاست که خداوند بدان‌ها نعمت داده، از پیامبران، راستگویان و شهیدان و شایستگان و چه رفیقانی نیکو هستند. در تفسیر آیه فوق آمده است: «من یطع الله»؛ یعنی هر کس فرمانبردار خدا در اوامر و نواهی او و «الرّسول» و رسول او را در احکام و حدود شرعی «فأولئک»؛ پس آن گروه فرمانبرداران، باشند در روز قیامت؛ «مع‌الذین»، با آن کسانی که «انعم الله علیهم»، انعام کرده است، خدا بر ایشان و برای آنها نعمت ولایت قرار داده است. (کاشانی، ۳/۶۸)

در تفسیر علی بن ابراهیم از ابی جعفر (علیه‌السلام) در مورد آیه مذکور نقل شده که ایشان فرمودند: منظور از نبیین محمد (ص)، و منظور از صدیقین علی (ع) است، که اولین فردی بود که رسول خدا (ص) را در دعوت نبوت تصدیق کرد و منظور از واژه

۸۸ ----- منہاج - سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹
شهداء، حسن و حسین (علیہم السلام) اند، و مراد از صالحین، امام زین العابدین تا امام
حسن عسگری (علیہ السلام) و از حسن اولثک رفیقاً مهدی هادی، صاحب الزمان (علیہ
صلوات الله الملك المنان) می باشد. (همو، ۱/۱۴۳؛ مجلسی، ۳۳۷/۲۳؛ بحرانی، ۱/۳۹۳)
در واقع اطاعت کنندگان از خدا و رسول در کتاب و سنت روز قیامت با این چهار طایفه
قرب مقام دارند. (شاه عبدالعظیمی، ۲/۴۹۸)

۳-۲- احیا کنندگان امر به معروف و نهی از منکر (تعالی دینی و اجتماعی)

از مصادیق بارز عمل امر به معروف و نهی از منکر، قیام امام حسین (ع) بود که
بزرگترین نمونه جهاد در راه خداوند، محسوب گردیده و برای آن نظیری تصور
نمی شود. این بزرگوار در هنگامی که اراده فرمود که از مکه بیرون بیاید، در خطبه ای که
روز هشتم ذیحجه ایراد کرد، صریحاً فرمود: «خرجت لأمر بالمعروف و انہی عن المنکر
لا اشرأ و لا بطراً» (مجلسی، ۳۲۹/۴۴)، یعنی: من برای امر به معروف و نهی از منکر
قیام می کنم، نه برای حکومت یا فتنه انگیزی. امر به معروف و نهی از منکر یکی از
انگیزه های اصلی امام حسین (ع) برای اصلاح امت جدش رسول خدا (ص) بود که
جلوه ای از حیات طیبه به حساب می آید و هدف همه ائمه هدی، تحقق حیات طیبه
بوده که با احیای امر به معروف و نهی از منکر این امر حاصل می شود.
امروز، ترویج دین بلیاد و نام امام حسین (ع)، همراه است. مجالسی که برای احیای
دین و ذکر فضایل اهل بیت (ع) به پا می شود، با ذکر مصائب آن سرور آزادگان ختم
می گردد. ثواب و پاداشی که برای گریه کردن بر امام و حزن بر مصائب او و خاندانش
و زیارت آن ها ذکر شده، بر گریه پیغمبر و امیرالمؤمنین و ائمه دیگر (علیہم السلام)
عظمت جهاد آن حضرت را آشکار می کند. (همو، ۷۳)
در امر به معروف باید گفت: گفتار، باید با کردار توأمان باشد و چه معرفی بالاتر از
نماز. در «شهدانک قد اقامت الصلوہ» (قمی، ۸۱۶) می خوانیم که آن حضرت ظهر روز
عاشورا عملاً امر به اقامه نماز کرد.

۳-۳- استجابات کنندگان دعوت حیات بخش

تجلی استجابات کنندگان دعوت حیات بخش خدا و رسول (ص) و اهل بیت (علیهم السلام) در مسیر حیات طیبه را می‌توان به اوصاف مؤمنان ممتاز و برگزیده‌ای که شامل مطیعین، محبین، مخلصین، متقین و موقنین می‌باشند، منطبق دانست؛ از این رو به بررسی اجمالی اوصاف و مقام این بندگان واقعی خدا می‌پردازیم.

۳-۳-۱- مطیعین: منظور اطاعت کنندگان اوامر الهی، رسول خدا و اهل بیت عصمت و طهارت می‌باشند؛ چنان‌که از آیه شریفه «یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول واولی الامر منکم فلن تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول ان کنتم تومنون بالله والیوم الاخر ذلک خیر و احسن تأویلاً» (النساء، ۵۹) (نک: النساء، ۸۰؛ الحشر، ۷؛ النجم، ۳)، یعنی: ای اهل ایمان! از خدا و رسول و اولی الامر خویش فرمان برید و اگر در کاری به نزاع افتادید، اگر به خدا و روز قیامت معتقد هستید، آن را به خدا و رسول ارجاع دهید که البته این برای شما بهتر و خوش‌عاقبت‌تر است. به‌دست می‌آید که؛ اولاً خطاب «یا ایها الذین آمنوا» از جهت اختصاص ولایت است نسبت به مومنین؛ زیرا خدا و رسول و اولی الامر ولایت کامل دارند بر جمیع اهل عالم، و مومنین می‌پذیرند و زیر بار ولایت می‌روند و غیر این‌ها قبول نمی‌کنند و هر کس قبول ولایت نکرد، از زمره مؤمنین خارج است.

ثانیاً، کلمه «اطیعوا الله» امر مولوی نیست، بلکه امر ارشادی است و اطاعت رسول به حکم عقل واجب است و «اطیعوا الرسول» آنچه رسول می‌فرماید از جانب خداست و عقل، اطاعت او را عین اطاعت حق می‌داند.

ثالثاً «اولی الامر»، کسانی می‌باشند که امر آن‌ها عین فرمان الهی باشد و احتمال کذب و خطا در آن‌ها راه نداشته باشد، که این خاص ائمه اطهار (علیهم السلام) می‌باشد. (طیب، ۱۱۵/۴)

قرآن مسلم‌انان را فرمان می‌دهد که پیامبر را اسوه و الگوی خود قرار دهند: «لقد کان لکم فی رسول الله أسوةً حسنة...» (الاحزاب، ۲۱)

۹۰----- منهاج - سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) در نامه‌ای به فرزندش حسین (ع) می‌فرماید: «و اعلم یا بنی ان احد لم ینبی عن الله سبحانه کما انبأ عنه الر سول (ص) فارض به رائدا و الی النجاة قائدا» (سید رضی، ۳۹۶)؛ یعنی: پسر من! بدان هیچ کس بدان گونه که پیامبر (ص) از خدا خبر داده، از وی خبر نیاورده است؛ بنابراین، رهبری او را بپذیر و در راه نجات و رستگاری، او را به عنوان رهبر و پیشوای بزرگ خود برگزین.

بهترین الگو و اسوه مؤمنان در تمام شئون زندگی و در همه اعضا، معصومین (علیهم السلام) می‌باشند، و کسی که اطاعت خدا و رسول او را به طور کامل انجام دهد، قطعاً در دنیا و آخرت آثار صلاح و حیات طیبه واقعی را در تمام زمینه ها مشاهده خواهد کرد. با پیروی از پیامبر (ص)، به منافع و بهره‌های معنوی دست می یابد و در مسیر صراط مستقیم قرار می‌گیرد.

۳-۲-۳- معینین: از آیات قرآن ملازمه دوستی و محبت خدا با متابعت رسول او و مودت اهل بیت عصمت و طهارت مورد تأکید واقع شده است. چنان که خداوند متعال می‌فرماید: «قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله و یغفر لکم ذنوبکم والله غفور رحیم» (آل عمران، ۳۱)، یعنی: بگو اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خداوند شما را دوست بدارد و گناهان شما را ببخشد که پروردگار بخشاینده و مهربان است. رسول اکرم (ص) نیز فرموده‌اند: هیچ یک از شما به خدا ایمان نمی آورد، مگر خدا و رسول را از سایرین محبوبتر بدارد. (فیض کاشانی، حقایق، ۳۸۴/۲)

از امام صادق (ع) نیز روایت شده که: «دین چیزی جز محبت نیست» به دلیل آیه شریفه «قل ان کنتم تحبون الله» و هر کس (از اهل بیت) را که خدا و رسولش به دوستی و اتباع او امر فرموده، در حکم رسول خداست. به تحقیق کمالات محبت حاصل نمی‌شود، مگر به واسطه تمسک به محبت اوصیای آن حضرت. (عیاشی، ۱۶۷/۱)

با توجه به آیه مودت: «ذلک الذی ینشر الله عباده الذین آمنوا و عملوا الصالحات قل لآ أسألكم علیه أجراً إنا المودة فی القربی» (الشوری، ۲۳)، یعنی: این همان چیزی است که خداوند به بندگانش با ایمان و دارای اعمال شایسته خویش بشارت داده است، بگو :

جلوه‌ها و مصادیق ره‌یافتگان مسیر حیات طیبه ----- 91

دربارهٔ رسالت خویش از شما مزدی نمی‌خواهم جز آن‌که به نزدیکانم مودت داشته باشید. مراد قرابت پیغمبر (ص) است که خداوند در رسالت آن حضرت قرار داده؛ نیز احسان به ذوی‌القربی و مودت و محبت، و پیروی سیرهٔ ایشان است که ائمهٔ اطهار مصداق آن معرفی شده‌اند و دشمنان، مخالفین آنان و پیروان راه تاریکی و ضلالت معرفی گردیده‌اند؛ پس در واقع هرکس می‌خواهد به دستگیرهٔ محکم خداوند - همان‌گونه که در کتاب خود فرموده است - چنگ زند، علی‌بن ابی‌طالب (ع) و اهل بیت را دوست بدارد؛ چون آن دستگیرهٔ محکم (عروه الوثقی)، دوستی آل محمد (ص) است و شما به واسطهٔ آن هدایت می‌شوید و قطعاً به آن حیات طیبه و سعادت واقعی می‌رسید.

۳-۳-۳- مخلصین: باید توجه داشت که «مخلص» به فتح لام غیراز «مخلص» به کسر لام است؛ زیرا اولی دلالت دارد بر این که خدا شخص را خالص کرده و معنای دومی این است که شخص اعمالش را با اخلاص انجام می‌دهد. از مجموع روایات و آیات قرآن مشخص می‌گردد که مقصود از مخلص، خالص‌شدگان در ولایت ائمهٔ هدی می‌باشند که از پذیرش حکومت‌های باطل و مخالفین اهل بیت (ع) سرباز زده‌اند. هرچند ممکن است مرتکب گناه و لغزش نیز بشوند که به واسطهٔ آن خلوص ان‌شاءالله مورد مغفرت قرار خواهند گرفت. «لیکفرالله عنهم اسواً الذی عملوا...» (الزمر، ۳۵)، یعنی: تا خداوند بدترین اعمالی را که انجام داده‌اند (در سایهٔ ایمان و صداقت آنها) بیا مرزد و البته شیطان را قدرت و تسلطی نمی‌باشد که پذیرش این ولایت و خلوص را از سینهٔ آنها خارج نماید. «قال فبِعزَّتک لا غوبنهم أجمعین إلاّ عبادک منهم المخلصین» (ص، ۸۳ - ۸۲) (برای مطالعه بیشتر در خصوص مخلصین به سوره‌های ص، ۴۷-۴۵؛ الانبیاء، ۷۳-۷۲؛ مریم، ۵۱؛ یوسف، ۲۴ مراجعه شود)، یعنی: [شیطان] گفت: پس به عزت تو سوگند که همگی آنان را از راه به در خواهم برد، مگر آن بندگان پاک دل تو را. در واقع انسان‌های مخلص را حتی ابلیس هم طمعی در اغوا و گمراه کردنشان ندارد و آن پیامد مصنوعیتی است که این گروه از گمراهی و آلودگی دارند؛ بنابراین منظور از عنوان مخلص در آیهٔ همان معصوم می‌باشد و در روایات صادره از ناحیهٔ معصومین، مصداق اتم و اکمل مخلصین، انبیای الهی و پیامبر اسلام (ص) و ائمهٔ معصومین (ع) معرفی شده‌اند.

۹۲----- منہاج - سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹
در واقع نقطه مقابل اخلاص، شرک است و شرک پس از رسول خدا(ص) در تبعیت از حکومت‌های باطل و تفرقه در دین شکل می‌گیرد: «... و لا تکنوا من المشرکین» (الروم، ۳۱) «من الذین فرقوا دینهم و کانوا شیعاً کل حزب بما لدیهم فرحون» (الروم، ۳۲)، یعنی: و از مشرکان مباشید از کسانی که دین خود را قطعه قطعه کردند و فرقه فرقه شدند هر حزبی بدانچه پیش آنهاست دلخوش شدند.

۳-۳-۴- متقین: همان مؤمنان خاصی هستند که خداوند اوصاف ایشان را بارها در قرآن متذکر گردیده است. در آیه شریفه «انّ المتقین فی جنّات و عیون» (الحجر، ۴۵)، یعنی: البته اهل تقوا (متقین) در بهشت‌ها و کنار چشمه‌ها جادارند. متقین اعم از مخلصین در آیه «إلّا عبادک منهم المخلصین» (ص، ۸۳)، آمده است. خدای سبحان بعد از آن که قضای رانده شده خود را درباره ابلیس و گمراهان پیرو او بیان نمود، اینک در این آیه قضای رانده شده اش را درباره متقین بیان می‌فرماید، و از آن جا که در کلام رسول خدا (ص) تقوی به ورع و پرهیز از محرّمات خدا تفسیر شده و در کلام خدای تعالی نیز متقین را مکرر به بهشت بشارت داده، نتیجه می‌گیریم که متقین اعم از مخلصین‌اند. (طباطبائی، ۱۷۰/۱۲)

با توجه به آیه شریفه، می‌توان متذکر شد که مراد از متقین، کسانی‌اند که همیشه تقوی داشته و کلمه نقوی، ورع و پرهیز از محرّمات الهی در دل‌هایشان جایگزین شده و تنها چنین کسانی سعادت و بهشت برایشان حتمی است. (همو، ۱۷۲/۱۲)
اهل تقوا (متقین) از کلمه دستورات خداوند عالم اطاعت می‌کنند که هم التزام به امور عملی و فرعی را شامل می‌شود و هم رعایت دستورات اعتقادی را در بر می‌گیرد، که از آن جمله التزام به ولایت اوصیای پیامبر اکرم (ص) و تبعیت از اوامر آنان و تولی دوستان و تبری دشمنان آنان می‌باشد و متقین قطعاً چه در دنیا و چه در آخرت، لذت حیات طیبه واقعی را کسب خواهند کرد.

۳-۳-۵- موقنین: شکی نیست که مرتبه یقین اشرف فضایل و افضل کمالات مؤمنین و متقین است از این رو یکی از ویژگی‌های متقین، «یقین ایشان به آخرت» ذکر شده است

93 ----- جلوه‌ها و مصادیق ره یافتگان مسیر حیات طیبه
«و بالآخره هم یوقنون» (البقره، ۳). این که خداوند متعال فرمودند: «الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» (النمل، ۳)، یعنی: آنان که نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و خود به آخرت یقین دارند. مراد از «هم بالآخره هم یوقنون»، وصف دیگری است برای مؤمنین، که عطف شده به آن دو وصف دیگر، و این وصف را به منظور اشاره به این صفات آورده که بفهماند اعمال صالح، وقتی در جای خود قرار گیرد، به غرض و هدفی که باید می‌رسد، که توأم با یقین به آخرت باشد؛ زیرا عمل هر قدر هم صالح باشد، با تکذیب آخرت، اثرش خنثی و اجرش حبط می‌شود و اگر ضمیر جمع «هم» را در جمله تکرار کرده، برای این بوده که دلالت کند بر این که این یقین به آخرت شأن مردم با ایمان است و مردم با ایمان اهل یقین‌اند. (طباطبائی، ۳۴۰/۱۵)
و اما یقین به آخرت بالاتر از علم است، علمی است که هیچ گونه غفلت و فراموشی در او نباشد، همیشه نصب‌العین باشد که ببیند «اهل الجنة فی الجنة متنعون و اهل النار فی النار معذبون». (طیب، ۱۰۶/۱۰)

۳-۴- حیات طیبه ابدی در سایه‌ی معرفت ائمه و التزام به پذیرش ولایت معصومین (علیهم‌السلام)

♦ حیات و سعادت در سایه معرفت امام و حجت خدا، تنها عامل اساسی در بروز و ظهور حیات طیبه می‌باشد. رسول اکرم (ص) می‌فرمایند: «من مات لا یعرف إمامه مات میتة جاهلیه» (کلینی، ۳۷۷/۱)، یعنی: هر که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است. همچنین امام صادق (ع) فرمود: «فان فینا اهل البیت فی کل خلف عدولا ینفون عنه تحریف الغالین و انتحال المبطلین و تأویل الجاهلین» (شیخ مفید، ۴)، یعنی: ما از اهل بیت، در هر نسلی مردمان عادل هستند که دین را از تحریف گزافکاران و ساخته‌های باطل پسندان و تأویل نادانان می‌پیرایند.
پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «ولایتی و ولایه اهل بیتی امان من النار» (صدوق، امالی، ۲۸۴ و ۲۸۳)، یعنی: ولایت من و ولایت اهل بیت من، مایه ایمن از آتش دوزخ است.

۹۴----- منہاج - سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

با توجه به مطالب بیان شده، می توان اذعان کرد که خداوند ولایت اهل بیت را محور قرآن و قرآن را محور همه کتاب های آسمانی قرار داده که قرآن بر فراز آن ها است و به همین دلیل بر همه کتاب های آسمانی دیگر ارج یافته اند و نیز حقیقت ایمان روشن می گردد و هیچ مقامی شامخ تر و داناتر از وجود مبارک رسول خدا (ص) و علی (ع) و ائمه هدی (علیهم السلام) و مخصوصاً ولی عصر (عجل الله فرجه) پای به عالم هستی ننهاده اند.

♦ تجلی حیات طیبه در دوران قیام مهدی و آخرالزمان (عجل الله فرجه) و دوران رجعت: خداوند متعال در قرآن می فرماید: «ونريد ان نمن على الذين استضعفوا في الارض ونجعلهم ائمةً ونجعلهم الوارثين» (القصص، ۵)، یعنی: و ما اراده کردیم که بر آن مردم ضعیف شده در روی زمین منت گذاریم و آنان را رهبران مردم کرده و وارثانشان نماییم. بنا به اعتقاد مفسرین، تأویل این آیه شریفه در حق ائمه معصومین (علیهم السلام) است که اعدای دین و منافقان بعد از رسول امین (علیه و آله صلوات الله الملك المبین) وزرای او را به قتل رسانیدند و هر کدام از وزرای وارث ما قبل و امام اهل عالم بودند و در همین قیام قیامت، حق سبحانه و تعالی، قائم آل محمد (صلوات الله علیهم) را بر ایشان مسلط خواهد ساخت، و همه زمین را از شرق تا غرب به تصرف او در خواهد آورد، تا آن که در دنیا به غیر از شیعیان ایشان احدی نماند. (لاهیجی، ۳/۴۵۳)

در تشریح آیه «قل أرأيتم إن أصبح ماؤكم غورا فمن يأتیکم بماء مّعين» (الملک، ۳۰)، یعنی، بگو: اگر آب شما در زمین فرو رود، چه کسی آب روان و گوارا را در اختیار شما می گذارد؟ در حدیثی از امام باقر (ع) آمده است: «نزلت فی الامام القائم (علیه السلام) یقول ان اصبح امامکم غائباً عنکم، لا تدرون این هو؟ ممن یاتیکم باخبار السماوات و الارض، و حلال الله و حرامه، ثم قال: و الله ما جاء تأویل هذه الایه، لابد ان یجی نلویلها» (حویزی، ۳۸۷/۵)، یعنی: این آیه درباره امام نازل شده که قیام به عدل الهی می کند. امام در حدیث مزبور تصریح می کند، اگر امام شما پنهان گردد و ندانید کجاست، چه کسی برای شما امامی می فرستد که اخبار آسمان و زمین و حلال و حرام خدا را برای شما شرح دهد؟ آنگاه فرمود، به خدا سوگند، تأویل این آیه نیامد و سرانجام خواهد آمد.

95 ----- جلوه‌ها و مصادیق ره‌یافتگان مسیر حیات طیبه

خداوند متعال با اشاره به برخی از حوادثی که در آستانه رستاخیز صورت می‌گیرد و سرنوشت دردناک منکران لجوج را مجسم می‌سازد و می‌فرماید: هنگامی که فرمان عذاب فرا می‌رسد جنبنده‌ای را از زمین برای آلدن خارج کنیم که با آن‌ها سخن می‌گوید و سخنش این است که مردم به آیات ما ایمان نمی‌آوردند: «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ» (النمل، ۸۲)، یعنی: و هنگامی که وعده عذاب فرا می‌رسد، جنبنده‌ای را از زمین، برای آنان خارج می‌کنیم که با آنها این‌گونه سخن می‌گوید: مردم، آیات ما را باور نکردند.

در روایات شیعی آمده است که مراد از «دابة فی الارض» امیرالمؤمنین (ع) است که با عصا و خاتم سلیمانی هر مؤمن و کافری را نشان می‌کند. (حویزی، ۹۷/۴) آن‌گاه به یکی دیگر از نشان‌های آخرالزمان اشاره کرده و می‌فرماید: به خاطر بی‌باوری روزی را که ما از هر امتی، گروهی از کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کردند، محشور می‌کنیم، و آن‌ها را نگه می‌داریم تا به یکدیگر ملحق شوند: «و یوم نحشر من کل أمة فوجا ممن یکذب بآیاتنا فهم یوزعون» (النمل، ۸۳)، یعنی: روزی که ما از هر امتی گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کردند، محشور می‌کنیم و بازداشت خواهند شد. این آیه اشاره به مسئله رجعت و بازگشت گروهی از بدکاران و نیکوکاران به همین دنیا در آستانه رستاخیز می‌نمایاند. (مکارم، ۵۴۸/۱۵)

حیات طیبه با توجه به آن‌چه گفته شد، حیات طیبه، در دوران قیام مهدی آخرالزمان (عج) و نیز دوران رجعت معصومین به دنیا تحقق خواهد پذیرفت.

نتیجه مقاله

با توجه به آن‌که رزق و روزی طیب از اشیاء و خوراکی‌ها قرار داده شده، که در بحث ولایت منقاد و مطیع بودند و این مهم جز با تمسک به شجره طیبه و کلمه طیبه «لا اله الا الله» حاصل نمی‌شود، مصادیق و جلوه‌های کسانی که ملزم به رعایت دستورات الهی و اولیای معصوم (علیهم‌السلام) در دست‌یابی به حیات طیبه در دنیا و آخرت بوده‌اند،

۹۶----- منہاج - سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹
مطابق آیات و روایات، همنشین آنهایی هستند که خداوند بدانها نعمت عطا فرموده،
که اینان مشمول نعمت‌های ویژه الهی هستند و مؤمنان محلی (احیا شده) به حیات طیبه
می‌باشند. از این رو تجلی حیات طیبه ابدی در سایه معرفت ائمه و التزام به پذیرش
ولایت معصومین (علیهم‌السلام)، در دوران قیام مهدی آخرالزمان (عج) و نیز دوران
رجعت معصومین به دنیا خواهد بود، که در زمان حضرت ولی عصر (علیه‌السلام) حکومت
از آن صالحان و اولیای حقیقی است و حیات طیبه و امنیت در سایه ولایت ایشان
محقق می‌گردد.

کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- صحیفه سجاده، ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام.
- ۳- آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، قم، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- ۴- بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، ۱۴۱۶ هـ.ق.
- ۵- حسینی شاه‌العظیمی، حسین احمد، تفسیر اثنی عشری، تهران، ۱۳۶۳ هـ.ش.
- ۶- سیدرضی، ابوالحسن محمدبن حسین موسوی، نهج البلاغه، ترجمه دشتی، قم، ۱۳۷۹ هـ.ش.
- ۷- شریف لاهیجی، محمدبن علی، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، ۱۳۷۳ هـ.ش.
- ۸- صدوق (الشیخ)، ابوجعفر محمدبن علی بن الحسین بن بابویه، الامالی، تهران، ۱۳۶۲ هـ.ش.
- ۹- صفات الشیعه، ترجمه، توحیدی، تهران، ۱۳۶۴ هـ.ش.
- ۱۰- علل الشرایع، النجف، ۱۳۸۵ هـ.ق.
- ۱۱- طباطبائی (علامه)، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، ۱۳۸۴ هـ.ش.
- ۱۲- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ۱۳۷۲ هـ.ش.
- ۱۳- طیب، سید عبدالحسین، تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ۱۳۶۶ هـ.ش.
- ۱۴- عروسی حویزی، عبدالعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، ۱۱۵ هـ.ق.
- ۱۵- عیاشی، محمدبن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- ۱۶- فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر الصافی، تهران، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- ۱۷- حقایق (در اخلاق سیر و سلوک)، ترجمه محمدباقر ساعدی خراسانی، بی‌جا، بی‌تا.

- 97 ----- جلوه‌ها و مصادیق ره یافتگان مسیر حیات طیبه
- ۱۸- قریشی، سید علی اکبر، قاموس القرآن، تهران، ۱۳۷۱ هـ.ش.
- ۱۹- القمی، ابوالحسن علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، ۱۳۶۷ هـ.ش.
- ۲۰- قمی (شیخ)، عباس، مفاتیح الجنان، ترجمه الهی قمشهای، مشهد، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- ۲۱- کاشانی، ملا فتح الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، ۱۳۳۶ هـ.ش.
- ۲۲- کلینی رازی، ابی جعفر بن محمد یعقوب، الاصول فی الکافی، تهران، ۱۳۶۳ هـ.ش.
- ۲۳- مجلسی (علامه)، ملا محمد باقر، بحار الانوار الجامعه الاخبار الائمه الاطهار، بیروت، ۱۴۰۴ هـ.ق.
- ۲۴- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، ۱۳۹۳ هـ.ق.
- ۲۵- مفید (الشیخ)، محمد بن محمد بن نعمان، اختصاص، قم، ۱۴۰۲ هـ.ق.
- ۲۶- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- ۲۷- نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، تهران، ۱۳۷۴ هـ.ش.